

# This is Egypt

---

مصر

کشوری در شمال قاره آفریقا

میترا ریاحی

بهار ۱۴۰۰

# فصل اول

---

نگاهی کلی بر کشور مصر

# جمهوری عربی مصر

مصر با نام رسمی جمهوری عربی مصر (به عربی: جُمهوریَّة مِصر العَرَبیَّة) یک کشور عربی در شمال شرقی قاره آفریقا است و شبه جزیره سینا هم که در قاره آسیا قرار گرفته بخشی از قلمرو این کشور است. مصر در جنوب دریای مدیترانه و غرب دریای سرخ قرار گرفته و از غرب با لیبی (۱،۱۱۵ کیلومتر)، از جنوب با سودان (۱۲۷۶ کیلومتر) و از سوی شبه جزیره سینا با اسرائیل (۲۰۸ کیلومتر) و در نوار غزه با فلسطین (۱۳ کیلومتر) مرز زمینی دارد.

03.

مصر از دیدگاه سیاسی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین کشورها در جهان عرب و خاورمیانه است، از چهره‌های شاخص علم و فرهنگ مصر می‌توان به احمد حسن زویل برنده ی جایزه نوبل شیمی و نجیب محفوظ برندهٔ جایزه نوبل ادبیات اشاره کرد همچنین تعداد زیادی شهروند مصری به ریاست سازمان‌های بین‌المللی ملی و منطقه‌ای رسیده‌اند همچون پطرس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷، محمد البرادعی دبیرکل آژانس بین‌المللی اتمی، عمرو موسی دبیرکل اتحادیه عرب و...؛ دانشگاه الازهر مهم‌ترین مرکز مذهبی جهان اسلام در این کشور قرار دارد.

01.

مصر با جمعیت ۱۰۲ میلیون نفر، ۱۴امین کشور پرجمعیت در جهان، پرجمعیت‌ترین کشور در خاورمیانه، و بعد از نیجریه و اتیوپی، سومین کشور پرجمعیت در قاره آفریقا است. اکثر جمعیت آن در حاشیه رود نیل زندگی می‌کنند.

02.

مصر یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری بوده و آثار باستانی متعدد موجود در این کشور که مهم‌ترین آن‌ها اهرام سه‌گانه است گردشگران زیادی را جذب این کشور می‌کند. حدود ۱۲٪ نیروی کار مصر در بخش گردشگری و شهرهای تفریحی ساحل دریای سرخ فعالیت دارند. اقتصاد مصر یکی از متنوع‌ترین منابع درآمدی را در کشورهای خاورمیانه داراست و بخش‌های گردشگری، کشاورزی، صنعت و خدمات هر یک به نسبتی تقریباً مساوی در تولید داخلی این کشور سهم دارند.



نام مصر از ریشه سامی است و با نام‌های دیگر زبان‌های سامی برای مصر از جمله **מִצְרַיִם** (میتزراییم) عبری هم‌ریشه است. نام مصر به معنی «دو تنگه» است و به جدایی میان دو دودمان بخش‌های شمالی و جنوبی مصر اشاره دارد. واژه مصر در اصل خود معانی شهر، تمدن، کلان‌شهر، زمین، و مرز هم می‌داده است. مصری‌ها مملکت خود را «کی مسْت» می‌نامیدند که به معنی سیاه است، زیرا زمین‌های مصر را زمین سیاه و اراضی کویرها را زمین سرخ می‌دانستند. اسم مصر که در اغلب زبان اروپایی «اِگِپْت» یا «اِژِپْت» است و فقط در تلفظ آن جزئی اختلافی بین زبان‌های مختلف اروپایی هست، از لفظ «خی کُپْتا» است: فینیقی‌ها منفیس را چنین می‌نامیدند و از فینیقی‌ها این لفظ به اروپا سرایت کرد. «خی کُپْتا» هم از لغت مصری «خات کاپُتا» آمده که به معنی «معبد روح پتا» است.



### شعار مصر

«میهن من، میهن من، میهن من»

«بلادی، بلادی، بلادی»

“My country, my country, my country”

# جغرافیا

مصر، سرزمین و کشوری است در شمال و شمال شرقی قاره آفریقا که مساحت آن ۱۰۹۴۰۸ کیلومتر مربع بوده و از دیدگاه وسعت بیست و هشتمین کشور جهان محسوب می‌شود.

در شمال مصر دریای مدیترانه و در شرق آن دریای سرخ قرار دارد. از سمت جنوب با سودان و از سوی غرب با کشور لیبی همسایه است. البته از ناحیه صحرای سینا به اسرائیل نیز مرتبط می‌شود. پایتخت مصر شهر قاهره است و از دیگر شهرهای مهم آن می‌توان به اسکندریه، اسوان، جیزه، فیوم و پورت سعید اشاره کرد. شهرهایی مانند سلوم، بردیا، سیدی برانی، مطروح و العلمین نیز به سبب وقایعی که طی جنگ جهانی دوم در آن‌ها به وقوع پیوست مشهور شده‌اند. در شرق و شمال شرقی این کشور شبه جزیره‌ای است که شبه جزیره سینا خوانده می‌شود و تا پیش از سده نوزدهم در قسمتی به خاک مصر پیوسته بود. اما در سده بیستم کانالی حفر کردند که آن را از خاک مصر جدا کرد و دریای سرخ را به دریای مدیترانه پیوند داد. نام آن، کانال سوئز است که ۱۶۸ کیلومتر طول دارد و چون مسیر ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا به حساب می‌آید، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

سرزمین مصر به سه قسمت تقسیم می‌شود:

۱. صحرای شرقی یا عربی.
۲. شبه جزیره سینا و زمین‌های نیل.
۳. صحرای غربی.

مصر آخرین کشوری است که رود نیل از آن می‌گذرد و سپس به دریای مدیترانه می‌ریزد. به این خاطر در محل پیوستن آن به دریا، دلتای نیل به‌وجود آمده که سرزمین اصلی کشاورزی این کشور است. در اطراف این رود نیز کشاورزی رونق بسیار دارد به‌طوری‌که تنها نقاط آباد مصر سواحل نیل است.



## تبار بر اساس ژنتیک

بر اساس بررسی‌های ژنتیک ۶۸ درصد مردم مصر از تبار بومیان آفریقای شمالی،  
۱۷ درصد تبار عرب،  
۴ درصد یهودی تبار،  
۳ درصد تبار آفریقای شرقی،  
۳ درصد تباری از آسیای کوچک (نه لزوماً ترک بلکه شامل تمام اقوام بومی باستان قبل از ترک‌ها به‌ویژه یونانی‌ها)  
و ۳ درصد از تبار جنوب اروپا  
و دو درصد از سایر تبارهای اقلیت هستند.

## قبیله های مصر

تیره‌ها و قبیله‌های ساکن مصر از این قرارند:

تیره‌های طواره

ترابین

مزینه

اولاد سعید

جبالیه

علیقات

صوالحه

تیره‌های تیاها

همچنین می‌توان به زاغه نشینان اشوعیت اشاره کرد.



# پایتخت‌های پیشین مصر

منف: (۳۱۰۰ پ. م - ۲۱۸۰ پ. م) نخستین پایتخت مصر

اهناسیا: (۲۱۸۰ پ. م - ۲۰۶۰ پ. م)

ممفیس، تیب یا طیبه: (۲۰۶۰ پ. م - ۱۷۸۵ پ. م) بار اول پایتختی

اواریس: (۱۷۸۵ پ. م - ۱۵۸۰ پ. م)

تبس: (۱۵۸۰ پ. م - ۱۰۸۵ پ. م) بار اول پایتختی

تنیس: (۱۰۸۵ پ. م - ۹۴۵ پ. م)

تبس: (۹۴۵ پ. م - ۶۳۳ پ. م) بار دوم پایتختی

صالحجر: (۶۳۳ پ. م - ۳۳۲ پ. م)

اسکندریه: (۳۳۲ پ. م - ۶۴۱ بعد از میلاد)

فسطاط: (۶۴۱ پ. م - ۷۵۰ پ. م) بار اول پایتختی

عسکر: (۷۵۰-۸۶۸ پ. م)

قطائع: (۸۶۸-۹۰۵ پ. م)

فسطاط: (۹۰۵-۹۶۹ پ. م) بار دوم پایتختی

قاهره: (۹۶۹ پ. م - تا امروز) پایتخت کنونی

# تقسیمات کشوری

کشور مصر به ۲۷ استان بخش می‌شود:

۱- استان دقهلیه

۲- استان بحر الاحمر

۳- استان بحیره

۴- استان فیوم

۵- استان غربیه

۶- استان اسکندریه

۷- استان اسماعیلیه

۸- استان اقصر

۹- استان جیزه

۱۰- استان منوفیه

۱۱- استان منیا

۱۲- استان قاهره

۱۳- استان قلیوبیه

۱۴- استان وادی الجدید

۱۵- استان شرقیه

۱۶- استان سوئز

۱۷- استان اسوان

۱۸- استان اسیوط

۱۹- استان بنی سويف

۲۰- استان پورت سعید

۲۱- استان دمياط

۲۲- استان سینای جنوبی

۲۳- استان کفر الشیخ

۲۴- استان مطروح

۲۵- استان قنا

۲۶- استان سینای شمالی

۲۷- استان سوهاج



# EGYPT

# فصل دوم

---

نگاهی کلی بر تاریخ مصر



در تاریخ سرزمین مصر باستان آمده تمدنی در قسمت شمال شرقی آفریقا در مجاورت دره ی رود نیل است که از نظر زمانی به دوره ای میان ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد تا زمان تصرف مصر توسط اسکندر مقدونی گفته می شود. این تمدن بزرگ و باشکوه باستانی نمونه‌ای از یک تمدن و امپراتوری که بر پایه آبیاری بنا شده است و در حقیقت هدیه رود نیل است. شاهنشاهی بزرگی که در این قلمرو شکل گرفت در دوره باستان فرمانروایانی داشت که به آنان فرعون می گفتند.

تاریخ سرزمین مصر باستان و این تمدن باشکوه از سال سه هزاره قبل از میلاد که به یگانگی و وحدت سیاسی دست یافت و این تمدن رسماً شکل گرفت حوادث زیادی را در خود دارد. این یگانگی و اتحاد سیاسی با یکی شدن دو قلمروی مصر سفلی و مصر علیا با هم بود. با این وحدت سیاسی تاریخ مصر وارد مرحله ای شد که یک سلسله پادشاهی های و امپراتوری های بزرگ و یک قلمرو وسیع را در تاریخش ثبت کرد. هر چند تاریخ مصر دوره باستان و در طول دوره بلند تمدنی اش بارها تسخیر و تصرف و تسلط را بوسیله فرمانروایان بیگانه تجربه کرده که یکی از آنان همزمان با تاریخ ایران در دوره هخامنشی است و توسط کمبوجیه صورت گرفت.

## تاریخ مصر

مصر باستان سرزمین فرعون‌ها بود و آثار تاریخی برجسته‌ای چون اهرام سه‌گانه و نیایشگاه بزرگ را از آن دوران به یادگار دارد.

پیامبرانی مانند یوسف (ع)  
و موسی (ع) در این  
سرزمین بوده اند

آنچه باعث تغییرات زیاد در تاریخ سرزمین مصر شد کشاورزی بود. بیشتر مصری ها به دلیل موقعیت جغرافیایی این سرزمین و وجود رود نیل در کشتزارها به کار کشاورزی مشغول بودند. سفالگری هم از دیگر پیشه های مردم این سرزمین بود. بافت الیاف کتان و تولید پارچه های کتان یکی دیگر از فنونی است که در این دوره در این سرزمین رواج داشت. زندگی به سبک قبیله ای در مصر پایه روابط بود و هر دهکده ای به صورت مستقل در یک منطقه قرار داشت.

قبایل قویتر و قدرتمند تر مناطق ضعیف تر را یا با زور و جنگ و درگیری و یا گاهی با سیاست ازدواج به چنگ می آوردند. این شرایط کلی تاریخ سرزمین مصر در این دوران بود تا اینکه دو پادشاهی بوجود آمد. البته بوجود آمدن حکومت های مقتدر در تاریخ سرزمین مصر به شکل یک باره و یکپارچه نبود. پادشاهان قدیم مصر که نامشان فرعون بود بیست و شش سلسله را ایجاد کردند و در مجموع تاریخشان حدودا سه هزار سال طول کشید.

# تاریخ مصر



دوره آغازین دودمانی مصر	۳۱۰۰
پادشاهی کهن مصر	۶۷۸۱۱۷۱۲۶۸۶
دوره نخست میانی مصر	۲۰۵۵
پادشاهی میانی مصر	۱۷۱۲۶۸۶
دوره دوم میانی مصر	۱۶۵۰
پادشاهی نوین مصر	۱۵۵۰
دوره سوم میانی مصر	۱۰۶۹
دوره پایان مصر باستان	۶۶۴
تاریخ هخامنشیان	۵۲۵
دودمان بطلمیوسی	۳۳۲
مصر رومی	۳۰
تاریخ ساسانیان	۶۲۱
تاریخ مصر اسلامی	۶۳۹
خلفای فاطمی	۹۶۹
ایوبیان	۱۱۷۱
سلطنت مملوک	۱۲۵۰
مصر عثمانی	۱۵۱۷
اشغال توسط فرانسه	۱۷۹۸
سلسله محمد علی مصر	۱۸۰۵
خدایوات مصر	۱۸۶۷
اشغال توسط بریتانیا	۱۸۸۲
حکومت سلطانی مصر	۱۹۱۴
پادشاهی مصر	۱۹۲۲
جمهوری مصر	۱۹۵۳
انقلاب مصر	۲۰۱۱

پس از میلاد

پیش از میلاد

# تاریخ سرزمین مصر

پایتخت مصر در این دوره زمانی تب و گاهی منفیس بود. عظمت و اقتدار و آبادانی مصر در این دوره در زمان پادشاهی توتمس سوم و رامسس دوم بود که این دو فراعنه ی تب بودند و در دوره آنان این عظمت به اوج رسید.

تاریخ سرزمین مصر در دوره پادشاهی کهن شرایط تازه ای را تجربه کرد. در این دوره که کشور گشایی ها شروع شده بود دوره بردگی گرفتن مردم نوبه، فلسطین، لیبی و حبشه بود. و این برده های بیچاره بودند که متحمل ظلم زیاد می شدند که در نهایت این ظلم و ستم فرعون ها و اعضای دربار به بردگان و زيردستان سبب نا آرامی و شورش در بین مردم و کاهش ثروت دولت مرکزی را در پی داشت.

با کم شدن قدرت دولت مرکزی این بار خُره سالاران بودند که قدرت بیشتری را صاحب شدند و با هم به رقابت و جنگیدن مشغول شدند. در سال ۲۱۳۴ قبل از میلاد انتف استاندار جنوبی پیروزی بزرگی بدست آورد و خودش را فرعون مصر علیا نام گذاشت و واست زادگاهش را پایتخت خود قرار داد. یونانی‌ها به واست طیوه می گفتند جایی که امروز به آن الاقصر می گویند.

در این دوره از تاریخ سرزمین مصر جنگ بین استانداران ادامه داشت. تا بلاخره منتوهوتپ اول یکی از جانشینان انتف مصر سفلی را به تصرف خود درآورد، او پس از منس دومین متحد کننده سرزمین مصر در این دوره بود. منتوهوتپ صلح را در سراسر قلمرو فرمانروایی خود ایجاد کرد و نظم و آرامش گذشته را باز گرداند. سپس وزیر آخرین فرعون دودمان یازدهم یعنی آمنمهات اول با تسلط بر حاکم خود او را از تخت به زیر کشید و خود بر تخت سلطنت نشست.

• عکس پس زمینه متعلق به شهر باستانی الاقصر می باشد.

• تاریخ دوران فرمانروایی فراعنه چهار دوره است:

دولت قدیم منفیس در این سرزمین اهرام

دولت وسطی مصر

دولت تازه تاسیس تب

# مصر در دوره ایرانی

همه فراعنه دودمان دوازدهم آممهاآت یا سسوستریس نامیده می شدند. در این دوره پایتخت از طیوه به ممفیس انتقال داده شد. اگرچه ثروت های طبیعی و استخراج از معادن سنگ و کار سخت در معادن نوبی و سودان سهم بردگان و مردم فرو دست بود اما از همه این آبادانی ها و ثروت های فراوان موجود در این سرزمین پر نعمت تنها جمع کوچک و عده ی کمی از مردم مصر از آن بهره می بردند و اکثر مردم مصر در فقر و تنگدستی بودند و ثروت و رفاه اقتصادی و امنیت سهم همان عده قدرتمند جامعه مصر بود.

دولت قدیم مصر در سال ۵۲۴ ق. م به دست ایرانیان سقوط کرد. این کشور در روزگار هخامنشی و همچنین در دوران ساسانی (در عهد خسرو پرویز و به مدت ده سال) بخشی از شاهنشاهی ایران بود.

حضور هخامنشیان در مصر به دوران کمبوجیه پسر کوروش بازمی گردد. او در سال ۵۲۵ پیش از میلاد، در لشکرکشی به مصر توانست مقابل فرعون پسامتیخ سوم از دودمان بیست و ششم فراعنه مصر پیروز شود و آن کشور را به یکی از ساتراپی های هخامنشی تبدیل کند، این ساتراپی قسمتی از کشور لیبی را نیز شامل می شد.

در سال ۳۳۲ ق. م اسکندر این سرزمین را تصرف نمود و تا سال بعد دودمان بطلمیوسیان که از جانشینان اسکندر بودند، بر آن حکمفرما بودند.

حضور هخامنشیان در مصر به دوران کمبوجیه پسر کوروش بازمی گردد

# مملک عربی

روند عربی شدن زبان مصریان چندی به طول انجامید و کاربرد زبان عربی در این منطقه از سده نهم میلادی به این سو شدت گرفت. سیاست فرمانروایان عرب حاکم بر مصر این بود که با وجود ناآشنا بودن مردم مصر با زبان عربی این فرمانروایان از همان آغاز تمامی نوشته‌های رسمی را به عربی صادر کردند. این حاکمان ولی، علاقه زیادی به مسلمان کردن مردم مصر نشان نمی‌دادند. [۲۲]

با این حال، مسلمان شدن مردم مصر با عرب‌زبان شدن آن‌ها همراه نبود و اسلامی‌سازی مصر سده‌ها پس از عرب‌زبان شدن آن‌ها به انجام رسید. با این‌که زبان عربی از سده نهم میلادی در مصر گسترش یافت دین اسلام تنها در سده چهاردهم تبدیل به دین اکثریت مصریان شد.

در سال ۶۴۱ میلادی (۱۹ هجری قمری) در زمان خلیفه دوم، عمر، عرب‌های مسلمان این کشور را تسخیر کردند. مصریان که از تسلط سیاسی و فرهنگی بیزانسی‌ها ناخرسند بودند، هنگام ورود اعراب در برابر آن‌ها ایستادگی نکردند و والیان مصر که از طرف خلفا برای اداره مصر اعزام می‌شدند، با «اهل ذمه» و به ویژه ساکنان اصلی مصر یعنی «قبطی‌ها» بر اساس عهدنامه‌ها و پیمان‌ها رفتار می‌کردند. شرایط پیمان‌ها به گونه‌ای بود که موجب استحکام روابط اعراب فاتح با بومیان مصر می‌شد. پس از فتح مصر، تعداد زیادی عرب و مسلمان به این سرزمین وارد شدند. با آمدن قبایل عربی به مصر و افزایش تماس دو گروه مسلمان و قبطی‌ها، زمینه‌های پذیرش فرهنگ اسلامی در مصر فراهم شد. شماری از مصری‌ها تا پایان حکومت سفیانیان، مسلمان و عرب شده بودند، اما این روند، در دوره‌های بعدی و طی دو قرن پس از اسلام به‌طور تدریجی صورت گرفت تا سرانجام مصر یک مملکت عربی شد.



## دوره عثمانی

مصر همواره از سرزمین‌های مهم برای حکومت اسلامی بوده و تا سال ۱۵۱۷ میلادی که دولت عثمانی بر مصر تسلط یافت در دست خلفای اموی و عباسی و فاطمی بود. در سال ۱۷۹۸ ناپلئون به مصر لشکرکشی کرد و در سال ۱۸۰۵ میلادی محمدعلی پاشا از طرف دولت عثمانی حاکم آنجا شده و دودمان جدید مصر را تشکیل داد.



## سلطنت مصر

برای مدت‌ها مصر تحت‌الحمایه بریتانیای کبیر بود ولی پس از جنگ جهانی اول بر اثر فشار مردم، استقلال مصر را اعلام کرد. در جنگ جهانی دوم طی سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳ با اینکه مصر بیطرفی خود را اعلام کرده بود اما سرزمین‌های غربی آن در حاشیه دریای مدیترانه از صحنه نبردهای سنگین بین ارتش آلمان و ارتش بریتانیا بود و با آنکه آلمانی‌ها فاصله چندانی با کانال سوئز نداشتند، اما در منطقه‌ای به نام العلمین شکست خوردند و همین شکست نقطه آغاز شکست‌های دیگر آن‌ها شد.

مصر در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در سال ۱۹۵۶ جمال عبدالناصر به ریاست جمهوری فرانسه به مصر حمله کردند، اما با پشتیبانی شوروی پیشین و بی‌طرفی آمریکا، بدون نتیجه خاتمه یافت. در طی سال‌های بعد دو جنگ دیگر نیز بین مصر و دیگر کشورهای عربی با اسرائیل رخ داد. (۱۹۶۷ و ۱۹۷۳)



# جنگ شش روزه

جنگ شش روزه ۱۹۶۷ نبردی بود که از ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ میان اسرائیل و کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن رخ داده و با پیروزی مطلق اسرائیل به پایان رسید. این نبرد نقطه اوج بحرانی بود که از تاریخ ۱۵ مه تا ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ به درازا انجامید و در آن اسرائیل با شکست ارتش چند کشور عربی قسمتی از خاک آن‌ها را تصرف کرد.

این جنگ با حمله هوایی ناگهانی اسرائیل به پایگاه‌های هوایی مصر در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ آغاز شد و اسرائیل طی ۶ روز موفق شد تا نوار غزه و صحرای سینا را از کنترل مصر، شرق اورشلیم و کرانه باختری رود اردن را از کنترل اردن و بلندی‌های جولان را از کنترل سوریه خارج کند. کشورهای عربی همچون عراق، عربستان سعودی، تونس، سودان، مراکش، الجزایر، لیبی و کویت نیز به اسرائیل اعلام جنگ داده و با اعزام نیروهای کمکی به یاری اردن، مصر و سوریه شتافتند. نتایج این جنگ در ساخت ژئوپلیتیک منطقه تأثیر گذار بوده‌است.

## بهار عربی در کشور مصر

در سال ۲۰۱۱ طی انقلابی حسنی مبارک رئیس‌جمهور این کشور برکنار شد و محمد مرسی با انتخابات جایگزین او شد. در سال ۲۰۱۳ ارتش در راستای اعتراضات مردمی علیه محمد مرسی کودتا کرد و دولت وی را سرنگون نمود. در انتخاباتی که چند ماه بعد برگزار شد، عبدالفتاح سیسی به عنوان رئیس‌جمهور مصر انتخاب شد.

## سالگردها و جشن‌های دینی

- آغاز سال هجری، یکم ماه محرم، هجرت پیامبر اسلام (ص) از مکه به مدینه
- زادروز حضرت محمد (ص) ۱۲ ماه ربیع‌الاول.
- آیین‌های عید فطر: پایان ماه رمضان
- عید فطر: ۱-۳ ماه شوال
- عید قربان: نهم ذی‌الحجه

## تعطیلات رسمی در جمهوری مصر

- روز آزادی صحرای سینا: ۲۵ آوریل
- روز کارگر: یکم ماه مه.
- شمنسیم: دوم ماه مه. جشن بهاری.
- انقلاب ۲۳ ژوئیه: بیست‌وسوم ژوئیه.
- روز نیروهای مسلح: ششم اکتبر.
- زادروز عیسی مسیح: ۷ ژانویه.

## جشن‌های مصر

- روز آغاز طغیان آب روز نیل (به عربی: وفاء النيل)، از جشن‌های فرعونی.
- جشن حنابندان برای عروس‌ها
- جشن هفت سالگی کودکان.
- آغاز سال میلادی: یکم ژانویه.
- جشن نوروز (جشن نیروز یا همان نوروز نزد قبطیان)





## عید نوروز مصری



روایت‌هایی که از ابن ایاس باقی مانده است نشان می‌دهد که مصریان قبل از ورود اسلام به مصر نوروز را برگزار می‌کردند و با آداب و رسوم ایرانیان باستان شباهت بسیاری دیده می‌شود. مردم مصر در عید نوروز آتش می‌افروزند و بر یکدیگر آب می‌پاشند. به کارمندان و خانواده هایشان لباس و پوشاک داده می‌شود و طبق عادت دیرینه مردم نیز به همدیگر هدیه می‌دهند. در مصر در دوره اسلامی جشن نوروز دچار انحطاط گشته مبدل به اعمال و گفتار و شوخی‌های زننده مشابه آنچه در روزهای جشن هولی (جشنواره رنگ‌ها) در هند شنیده می‌شود، گردید. به طوری که چندین شاه مصر از جمله ملک معز فاطمی برگزاری آیین نوروز را ممنوع کرد.

ابن تاریخ نگار مصری

قلقشندی نوشته است نوروز که یکی از مشهورترین اعیاد مصر است از ایران باستان گرفته شده و به آن «نیروز قبیطی» داده‌اند. این عید با همان نام و آداب و سنن ایرانی در مصر برگزار می‌شود. مصریان در آن روز شادی کرده، آتش می‌افروزند و آب بر روی هم می‌پاشند که از مراسم ایرانیان به مراتب مفصل تر است. مردم شام نیز همین آیین را در اول ماه نیایش که یکی از ماه‌های رومی است برگزار می‌کنند. بنابر یک فرضیه احتمالاً کمبوجیه دوم نوروز باستان را به مصر برده است. تاریخ ورود نوروز در مصر باستان در عهد حکومت داریوش بزرگ جانشین کمبوجیه بوده است. در زمان این پادشاه روابط فرهنگی میان مصریان و ایران محکم و استوار بوده است. حتی پس از فتح مصر از طرف اعراب نیز این جشن باستانی در این کشور ادامه داشته است

ابوالعباس قلقشندی شاعر مصری

نوروز مصری در فصل بهار و قرار گرفتن خورشید در برج حمل همزمان با طغیان رود نیل و آغاز فصل زراعی بود. نوروز قبیطی در مصر با نوروز در ایران باستان هر چند از لحاظ زمان برگزاری تفاوت دارد ولی در اصل یکی است زیرا مصریان جشن نوروز را از ایرانیان گرفته و با همان نام و آداب و سنن برگزار می‌کردند. مصریان باستان عقیده داشتند که این روز آغاز خلقت نیز می‌باشد. هرودوت عقیده دارد که مصریان باستان اولین کسانی بوده‌اند که سال را به دوازده ماه تقسیم کرده و به پایان آن پنج روز اضافه کرده‌اند.

هرودوت تاریخ نگار یونانی

# شم‌النسیم

یکی از عیدها در کشور مصر است که در روز دوشنبه عید پاک (روز بعد از عید پاک) تقویم مسیحیت شرقی جشن گرفته می‌شود.

شم‌النسیم از یکی از جشن‌های قبطی قدیم مصر به مناسبت اعتدال بهاری ریشه گرفته‌است. عید شم‌النسیم را می‌توان با روز سیزده‌بدر در ایران مقایسه کرد، خود واژه شم‌النسیم به معنای «لذت بردن از نسیم» است.

در این روز بیشتر مردم از خانه‌ها بیرون می‌روند و رو به سوی باغ‌ها و کشتزارها و جاهای سرسبز می‌گذارند و از صبح تا غروب در بیرون از شهر می‌مانند. در این روز مردم انواع خوراکی‌ها را باخودشان برمی‌دارند ولی چیزی که در این روز مهم و قابل توجه‌است یک نوع ماهی است به نام «فَسِیخ» که لازم است همراه تمام مردم باشد. فسیخ نوعی ماهی کوچک است که در نمک گذاشته شده‌است و بوی زننده‌ای دارد، این ماهی را از یک سال قبل برای این روز تهیه می‌کنند.



سلیمان توفیق شاعر و روزنامه‌نگار مصری درباره این مراسم می‌گوید: در این روز، از زن و مرد، خرد و کلان برای خود نوشیدنی و غذا برمی‌دارند و تمام روز را در ساحل رود نیل سپری می‌کنند. در آن جا، همه با هم آواز می‌خوانند و شادی می‌کنند. شم‌النسیم همیشه در اواخر ماه مارس یعنی هفته نخست فروردین برگزار می‌شود، زمانی که سواحل نیل سرسبز و پرشکوفه است

هرودوت می‌گوید: «در میان انواع بشر، مردم مصر از همه بیشتر پایبند دین و مذهب بوده‌اند.»

این مردم در طی دوره تاریخ خود از آغاز تاکنون انواع اعتقادات و اعمال مذهبی خود را که فهم آن امروز مشکل است، در مدتی بیش از سه هزار سال عمل می‌کردند. هر شهری خدایانی جداگانه می‌پرستیدند.

آن شهری که معتبرتر می‌شد، بر شان خداوندانش افزوده می‌شد. هم‌اکنون مذهب کشور مصر اسلام (اهل سنت) می‌باشد بطوریکه ۸۰٪ جمعیت مصر را شامل می‌شوند که از این رقم ۴۰٪ شافعی، ۲۵٪ مالکی و ۱۵٪ حنفی می‌باشند و پیروان مذاهب گوناگون در تمام مصر پراکنده هستند و اختصاص به منطقه خاصی ندارند، همچنین ۱۵٪ جمعیت مصر مسیحی قبطی و ۵٪ نیز شیعه اسماعیلی و اثنی‌عشری هستند.



# فصل سوم

## هنر و فرهنگ مصر باستان

# زندگی روزمره

در مصر باستان خانواده اساس زندگی روزمره بود. سنت معمول آن جامعه تک همسری بود و چند همسری-مگر نزد شاهان-به ندرت دیده می‌شد. ازدواج میان خواهر و برادر غیرمعمول بود؛ اما غیرمجاز محسوب نمی‌شد. برای مراسم عروسی، عروس و داماد به همراه خانواده‌های خود نزد مسئولی حکومتی می‌رفتند که نام و دارایی دو طرف را ثبت می‌کرد. سپس در سرسرای ویژه قربانی‌های معبد، جشن بزرگی برپا می‌کردند. برخلاف دیگر سرزمین‌های دوران باستان، زن مصری حقوقی برابر با حقوق همسرش داشت. او می‌توانست در دارایی‌های مشترکشان دخل و تصرف کند، نقش اجتماعی آشکاری در زندگی داشت و دیگران نسبت به وی با احترام رفتار می‌کردند.

بازی‌های بچه‌های آن دوران درست شبیه بازی‌های امروز ما بود. آن‌ها با توپ (گوی) و حلقه بازی می‌کردند. پسرها نیزه می‌انداختند یا با تیر و کمان هدف‌هایی را می‌زدند. دختر بچه‌ها عروسک‌هایی با دست و پا‌های قابل حرکت و موهای واقعی داشتند. وسایل آشپزخانه و خانه‌های عروسکی، حیوانات اسباب بازی، قایق‌های چوبی کوچک و ماهی‌های چوبی که روی آب شناور می‌ماندند از اسباب بازی‌های محبوب بچه‌ها بود.

زنان و مردان نیز بازیکنان پرشوری بودند. آن‌ها با تاس‌هایی از جنس استخوان یا عاج بازی می‌کردند یا با نوعی تخته نرد سرگرم می‌شدند.

آن‌ها مردمی بسیار موسیقی دوست بودند. مصریان باستان با نغمه چنگ، تنبور، نی و دایره زنگی آواز می‌خواندند. موقع برگزاری جشن‌ها، در کاسه و بشقاب و ظرف‌های رنگارنگ غذا می‌خوردند و نوشیدنی‌ها را درون صراحی‌هایی از رخام و سنگ لوح آبی یا سیاه رنگ به یکدیگر عرضه می‌کردند.

بعضی دانشمندان تصویری از زندگی شهری را در مصر باستان بازسازی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که مردم طبقات گوناگون در این شهر سلطنتی زندگی می‌کرده‌اند. فرعون و خانواده‌اش در قصری بزرگ در قلب شهر زندگی می‌کردند. این قصر با دیوارهای ضخیم سفید احاطه شده بود. این ساختمان از چوب و خشت ساخته شده بود و روشن و هواگیر بود و نسبت به کاخ‌های امروزی اسباب و اثاثیه کمتری داشت. اسباب قصر شامل صندلی‌هایی با پایه‌های به شکل پنجه شیر، صندوق‌هایی از آبنوس و عاج برای پوشاک و جواهرات و تخت‌هایی باریک با کناره‌های مزین بود و برق طلا در همه جا قابل رویت بود. کف اتاق‌ها، دیوارها و سقف‌ها گچکاری بود و با نقاشی‌هایی که صحنه‌هایی از زندگی شهری را در مصر نشان می‌داد، پوشیده بود.

کف اتاق‌ها با نقش دریاچه‌هایی پر از ماهی و نیلوفر آبی و دیوارها با نی‌های پاپیروس که روی آن‌ها غازهای وحشی در حال پرواز نمایش داده شده بود، تزئین می‌شدند سقف‌ها چشم‌انداز آسمان مصر را نشان می‌دادند. روز فرعون با استحمام در یک وان مرمر زیبا شروع می‌شد. این کار یک آیین مهم مذهبی بود که در حضور شماری از درباریان و حضار انجام می‌شد. فرعون پس از پوشیدن جامه‌های لطیف، به سر گذاشتن تاج و برداشتن سایر نمادهای پادشاهی‌اش، به تالاری که تخت شاهی در آن قرار داشت می‌رفت تا بازرگانی کشور را راهبری کند. ملکه و شاهزادگان هم به اتاق‌های مخصوص خود می‌رفتند. شهبانوی اعظم، یا به عبارتی همسر خاصه فرعون، از نظر سیاسی قدرتمندترین زن در سراسر کشور بود. اما فرعون معمولاً چندین همسر صیغه‌ای داشت، که آن‌ها هم فرزندان می‌آوردند و در همان قصر زندگی می‌کردند. اگر حاکم از ملکه‌اش فرزند پسری نداشت، یکی از دخترانش با یکی از پسران سایر همسران فرعون ازدواج می‌کرد. مصریان هیچ ممنوعیتی برای ازدواج منسوبین سلطنتی با یکدیگر نداشتند. آن‌ها معتقد بودند ازدواج‌های بین خانواده، خون الهی آن‌ها را خالص نگه می‌دارد و دودمان سلطنتی حاکم را نیرومندتر می‌کند.



بسیاری از اشراف در حومه شهر ممفیس زندگی می‌کردند. تعدادی از مورخان معتقدند که آن‌ها در ویلاهای زیبایی که از چوب و خشت ساخته شده بود، ساکن بودند. این ویلاها را دیوارهای بلندی احاطه می‌کرد و هر یک باغی داشت که دارای یک استخر پر از ماهی بود که سطح آن را نیلوفرهای آبی می‌پوشاندند. در یک سمت استخر، معبدی کوچک قرار داشت که افراد خانواده در آن جا عبادت می‌کردند.

اسباب و اثاثیه ظریف، البته نه به خوبی آنچه فرعون داشت، اتاق‌های ویلا را زینت می‌داد. در تالار بزرگ پذیرایی، که اصلی‌ترین اتاق بود، دیوارها و ستون‌های چوبی، که پایه‌های حایل سقف مسطح ویلا بودند، با صحنه‌هایی از زندگی مصری تزئین می‌شدند. قالی‌های ضخیم در کف اتاق پهن می‌کردند. در این نوع خانه‌ها حتی گرمابه‌هایی در درون خانه وجود داشت که در آن جا خدمتکاران، اشراف را می‌شستند و در کنار گرمابه‌ها، توالت‌هایی بود که شامل نشیمنگاهی آجری می‌شد که روی لگن‌های قابل جابجایی تعبیه شده بود.

پس از شستشو، یک خانواده اشرافی عادی، صبحانه‌اش را که شامل شراب، میوه، نان ادویه‌دار، عسل و خرما بود، می‌خورد. سپس مرد خانواده برای کار نزد فرعون به دربار می‌رفت. این افراد مهم‌ترین و قدرتمندترین کارگزاران فرعون بودند. برای مثال کارگزاری که عنوان «چشم و گوش پادشاه» را داشت، مسئول بازجویی‌ها و پرس‌وجوهای محرمانه برای فرعون بود. بعضی از این افراد به وزیر در انجام وظایف متعدّدش کمک می‌کردند. برای مثال، یکی از اشراف ممکن بود در سفری همراه با وزیر برای بازدید یکی از ایالت‌ها برود یا به وزیر در نقش قاضی اعظم خدمت کند.

جامعه مصر باستان مردسالار بود. اما وضع زنان، به‌ویژه زنان متمول، در مصر بهتر از زنان در بسیاری از جوامع باستانی هم‌دوره یا حتی بعضی کشورهای امروزی بود. آن‌ها نمی‌توانستند مناصب دولتی داشته باشند و نفوذ سیاسی ناچیزی داشتند، اما گاهی زنی صاحب شأن می‌توانست در غیاب همسرش در کارهای حکومتی یا اداره یکی از ایالات کشور کمک کند.

زن مصری می‌توانست صاحب ملک و دارایی باشد و غالباً زمین‌های باارزشی جزو جهیزیه ازدواجش بود، ازدواجی که تقریباً همیشه توسط والدین عروس و داماد ترتیب داده می‌شد. گرچه شوهر می‌توانست این زمین‌ها را اداره کند، ولی زن حق داشت وصیت کند و ملک و دارایی‌اش را برای هر که خواست، ارث بگذارد. زن مصری می‌توانست درخواست طلاق کند و معمولاً ثلث دارایی‌های حاصله بعد از ازدواج زوجین، به او تعلق می‌گرفت. بعد از طلاق نیز دارایی خودش را پس می‌گرفت و حق سرپرستی فرزندان را نیز داشت.







# تفریح و سرگرمی

پس از پایان یافتن کار روزانه، اشراف معمولاً به خانه بازمی‌گشتند تا برای میزبانی یا رفتن به میهمانی آماده شوند. خانم‌ها لباس‌های بلند و تنگ و مردان، دامن مردانه می‌پوشیدند. لباس‌ها و دامن‌ها اگر چه شبیه به پوشاک طبقات اجتماعی پایین‌تر بود، اما از پارچه‌های ظریف‌تر تهیه می‌شد و با رشته‌هایی از زر روی آن‌ها نقش‌هایی دوخته می‌شد. آرایش چشم زنان و مردان مشابه هم و بسیار غلیظ بود و هم زنان و هم مردان کلاه‌گیس‌های مشکی داشتند. همگی بهترین جواهراتشان را می‌آویختند. هر خانم یک جعبه آرایش به همراه داشت که حاوی شانه‌ها، تیغ‌ها، روغن‌ها، قاشق‌های پماد، زغال سیاه و ملاکیت سبز برای آرایش چشم‌ها و آینه‌های مسی یا نقره‌ای صیقل داده شده بود.

خدمتکاران برای میهمانان گوشت گاو، بز، غاز، لوبیا، نخود، انگور، خرما، نان و شیرینی می‌آوردند. زنان و مردان مطابق رسوم جداگانه می‌نشستند. آن‌ها با دست غذا می‌خوردند و همراه غذایشان شراب می‌نوشیدند. سپس می‌نشستند و به تماشای کارهای تردستان، نوازندگان، حرکات آکروباتی، دختران رقصنده می‌پرداختند. یک ترانه قدیمی نظر یک مصری متمول را نسبت به زندگی چنین توصیف می‌کند:

تا وقتی زنده هستی، به دنبال خواسته‌های قلبت باش...  
شیون کردن هیچ کس را از دردسر رها نمی‌سازد...  
استراحتی بکن،

کسل و دل‌سرد نباش  
هیچ‌یک از آن‌هایی که این زندگی را ترک گفته‌اند، دوباره باز نخواهند گشت.

نوازندگان و رقصندگان، اشراف را سرگرم می‌کردند. اشراف در میهمانی‌ها بهترین کلاه‌گیس‌ها و لباس‌هایشان را در برمی‌کردند. البته در مصر قدیم لباس مردم طوری بود که سینه و شکم را نمی‌پوشاند.

# مستخدمان خداوند

بعضی اشراف مثل کاهنان به فرعون خدمت می‌کردند و عنوان «مستخدم خداوند» را داشتند. آن‌ها علاوه بر اداره معابد شهر مناصبی دولتی نظیر معمار، ریاضیدان و اخترشناس نیز داشتند. در ابتدا، معابد بزرگ در ممفیس مانند معبد پتاح - خدای شهر که پس از پایتخت شدن ممفیس در پادشاهی قدیم خدای همگان شد - تعداد کمی کارکنان دائمی و تعدادی کارکنان موقتی داشتند. کارکنان دائمی شامل یک کاهن بزرگ و چند دستیار وی بودند و کارکنان موقتی کاهنانی بودند که سالی سه بار، هر بار به مدت یک ماه، خدمت می‌کردند. بعدها، در بعضی معابد بزرگ تعداد کارکنان دائمی بسیار زیاد شد.

برای تمام کسانی که در معابد انجام وظیفه می‌کردند، پاکیزگی مذهبی لازم بود. براساس گفته هرودوت «کاهنان در حین انجام وظایفشان یکروز در میان تمام بدنشان را می‌تراشیدند تا در برابر وجود شپش یا هر پلیدی دیگری احتیاط کنند.» کاهنان معابد آیین مذهبی مهم را به نیابت از فرعون که در واقع تنها کسی بود که می‌توانست مستقیماً با خدایان ارتباط برقرار کند، انجام می‌دادند. این آیین شامل شستن مجسمه پتاح، تعویض لباس‌هایش و آوردن غذا برای او بود. آدولف اِرمَن، مصرشناس می‌گوید: کسی که احترام الهی به او گذاشته می‌شد - چه آمون بود یا ایزیس، پتاح یا فرعون در گذشته - همیشه می‌دیدیم که سرخاب تازه بر گونه اش مالیده شده و جامه‌های تازه بر تندیسش پوشانده شده‌است و محراب مقدس که مجسمه در آن نگه داشته می‌شد همیشه پاکیزه و پر عطر است.

پیش‌تر غذاهایی که به عنوان هدیه برای خداوند برده می‌شد، از زمین‌هایی که فرعون به معبد داده بود، به دست می‌آمد؛ معبد به این ترتیب می‌توانست پتاح را تأمین و ستایش کند. به همین دلیل، کاهنان علاوه بر انجام آیین مذهبی، باید بر املاک معبد نیز نظارت می‌کردند. علاوه بر محصولات که از این زمین‌ها به پتاح می‌رسید، فرعون نیز قسمتی از درآمدش - غلات، شراب، روغن و عسل - را که از مالیات‌ها و زمین‌های سلطنتی اش جمع‌آوری شده بود، تقدیم می‌کرد.

# مستخدمان خداوند

برای احترام به پتاح، کاهنان به‌طور دوره‌ای جشن‌های مذهب، به خصوص جشن‌هایی برای وقایع مهم موجود در افسانه‌های الهی، تدارک می‌دیدند. کاهنان زن که معمولاً زنانی صاحب شأن و به طریقی از منسوبین کارگزاران حکومتی بودند، در رقص و نواختن سازهای موسیقی شرکت می‌کردند. نانوایان، آبجوسازان، قصابان و آشپزانی که برای معبد کار می‌کردند صبح و شب برای تهیه غذا زحمت می‌کشیدند و هنرمندان و صنعتگران معبد هدایای دیگری برای خدا می‌ساختند. تمام این هدایا «به خاطر زندگی، سعادت و سلامت» فرعون تقدیم می‌شدند. بعد از مراسم، مردمی که در جشن شرکت کرده بودند می‌توانستند در صرف اغذیه تقدیمی شریک شوند؛ غذایی که در سایر اوقات توسط کاهنان و کارگران معبد مصرف می‌شد. در یکی از برنامه‌های جشن، مجسمه پتاح را در قایقی مقدس می‌نهادند و به محرابی خارج از معبد می‌بردند. این کار به مردم ممفیس امکان می‌داد تا پتاح را عبادت کنند و از خدا نکاتی را پرسند. مردم معتقد بودند خدا با نوسان کشتی در یک جهت خاص به سوالات آن‌ها پاسخ می‌دهد.

در دوره فراغنه دودمان پنجم و در پی گسترش باورهای مذهبی جدید بحرانی رخ داد. رع، خدای خورشید، جای هوروس را گرفت (جای خدایی را که فراغنه خود را همو می‌دانستند) رع خدایی بود که اثرش بر سراسر طبیعت و در نتیجه بر باورهای آن زمان آشکار بود و بر خلاف هوروس، مردم کوچه و بازار به راحتی حضور آن را درک می‌کردند و به همین دلیل، همه با رغبت آن را پذیرفتند. به این ترتیب فرمانروا از کسوت خداگونه اش بیرون آمد و میان او و جاودانان فاصله‌ای ایجاد شد و فرعون در حد موجودی فناپذیر و عادی افول کرد. از این گذشته استاندارها را دیگر فرعون منصوب نمی‌کرد؛ بلکه به عنوان پاداشی برای خدمت صادقانه آن‌ها اجازه داشتند که منصب خود را به پسرانشان واگذار کنند و هر چه فاصله آن‌ها تا مقر حکومت بیشتر بود، عملکردشان خودسرانه‌تر می‌شد.

مصریان وجه خاصی برای هنر نداشتند و هنرمند هم نه یک فرد خالق و مستقل بلکه صنعت‌گری کار آزموده بود که لزوماً باید با یک گروه کار می‌کرد. آنان جادو را به عنوان نیرویی بنیادی می‌انگاشتند و بر همین اساس معتقد بودند که اگر چیزی درست ساخته شود، می‌تواند با طی تشریفات خاصی پا به عرصه حیات بنهد. تمام تلاش آن‌ها در هنر هم برای رسیدن به همین هدف بود.

آنان با ساختن تصویری از فرعون، قالبی برای سکونت (کا)، یا روح او در دنیای پس از مرگ تدارک می‌دیدند و با تجسم مناسک مذهبی، آرامش خدایان را تأمین می‌کردند؛ و حتی با ثبت رویدادهای تاریخی، استمرار قدرت فرعون و عظمت مصر را منظور می‌داشتند. به همین دلیل آن‌ها از بازنمایی موضوعات ناخوشایند دوری می‌جستند و فقط جلوه‌های آرمانی و مطلوب زندگی را در آثارشان منعکس می‌کردند. هنرمند مصری سعی می‌کرد که همواره حقیقتی عینی و عقلانی و مستقل از زمان و مکان را بیان کند.

او اشیاء را نه بر اساس دریافت‌های بصری متغیر و اتفاقی، که بر آن صورتی که واقعی و ثابت فرض می‌شد، مجسم می‌کرد. صفات اساسی و کیفیت‌های انتزاعی را به صورت نمادین نشان می‌داد. (مثلاً درجه اهمیت بر حسب اندازه، برای زنده نمایی از پیکرها از رنگ‌های قرار دادی و برای تزیین نکات مبهم از خط هیروگلیف بهره می‌برد). هنرمند مصری غالباً خط‌های مستقیم و شکل‌های یکپارچه به کار می‌برد که برای او جنبه کاملاً عملی داشت، تا ذوق هنری.

در حدود ۱۹۵۰۰ پیش از میلاد، بطری‌های شیشه‌ای برای نخستین بار در مصر باستان مورد استفاده قرار گرفت.

# باورهای دینی

القار که مصریان آن را می‌پرستیدند.

به باور مصریان در ابتدا دریایی عظیم بود. از تلاطم آب‌های بیکران، زمین آراسته پدید آمد؛ و از همان آب‌هایی که خدای آفتاب، راع، از آن‌ها متولد شده بود، تپه اولیه سر برآورد. این تپه چهار فرزند داشت: شو (هوا)، تفتوت (آب)، گب (خاک) و نوت (آسمان). فرزندان گب و نوت نیز ازیریس (زندگی گیاهان)، ایزیس (زمین حاصلخیز)، ست (خشکسالی) و نفتیس (بیابان) بودند. بعدها، وقتی انسان پدید آمد، این خدایان خود را نامرئی کردند. علاوه بر آن‌ها خدایان کوچکتر بی‌شماری نیز بودند که البته در زمره خدایان تاریخ آفرینش به‌شمار نمی‌آمدند. آن‌ها همگی بدون استثناء، از مصر دوران اولیه ریشه می‌گرفتند. هر شهر و هر روستایی، که در آن زمان به اجتماعات بزرگتر می‌پیوست، خدایی خاص خود را داشت. وقتی منس در مقام شاه، مصر را متحد کرد، علاوه بر خدایان محلی هر استان، خدایان بزرگ نیز مورد ستایش قرار گرفتند. خانواده واقعی فرمانروایان همیشه از خدایان شهر یا روستا ریشه می‌گرفتند و در وجود آن‌ها مستقر بودند.

# زندگی بعد از مرگ

به باور مصریان، بعد از خاکسپاری، متوفی باید در دادگاه مردگان در مورد زندگی زمینی خویش پاسخ می‌داد-کسی که در آن محکمه مردود می‌شد، برای بار دوم می‌مرد و این مرگ به معنای نابودی قطعی بود. دادگاه مردگان در تالار حقیقت برگزار می‌شد. ازیریس، داور اعظم این دادگاه بود و ۴۲ اهریمن پلید مرده را به شدت مورد بازجویی قرار می‌دادند. تحوت کاتب دادگاه بود و آنوبیس، ایزدی که سری شبیه سر سگ داشت، ترازوی داوری را اداره می‌کرد.

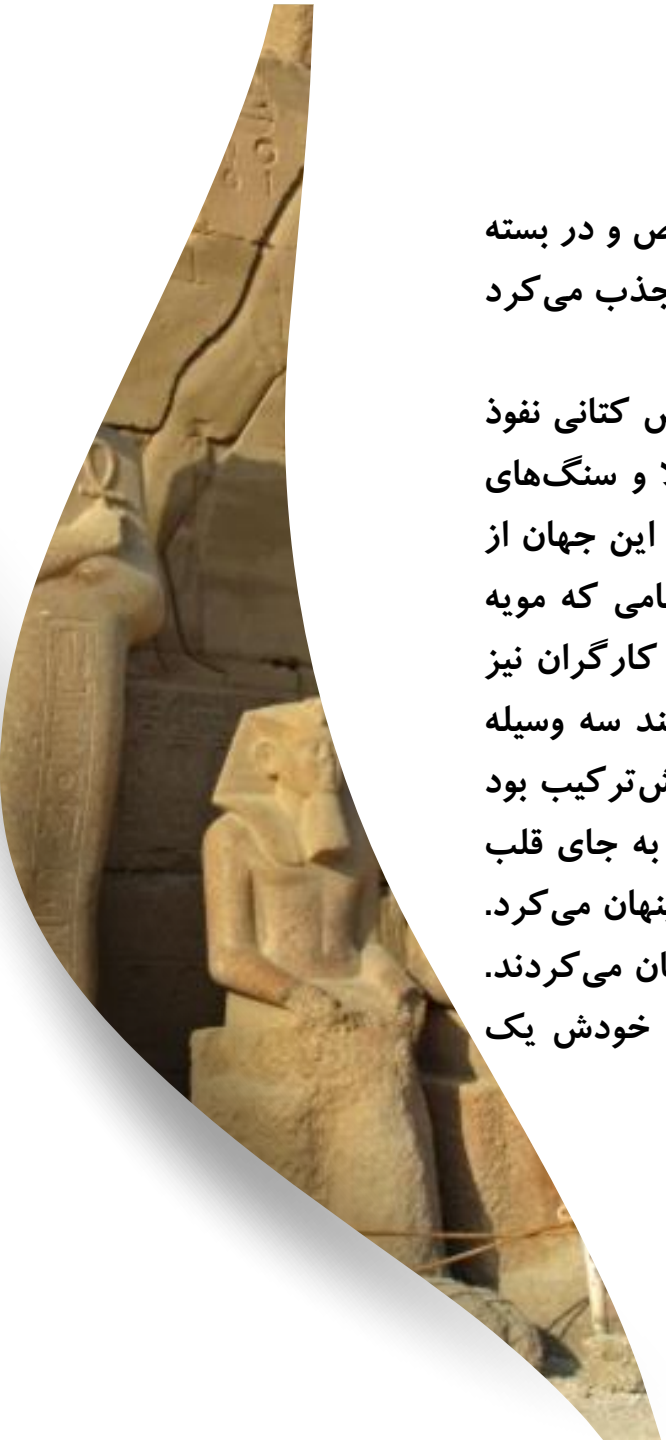
ابتدا آنوبیس مرده را به تالاری هدایت می‌کرد که در آنجا باید دفاعیاتی را ایراد می‌کرد که سوگندی بر بی گناهیش بود. بعد از این سخنرانی و بازپرسی اهریمنان، آنوبیس قلب مرده را درون یک کفه از ترازویی قرار می‌داد که در کفه دیگرش تندیس کوچکی از ماعت، ایزد بانوی حقیقت و عدالت قرار داشت. اگر کفه‌های ترازو در حال تعادل باقی می‌ماندند و ترازو نمی‌لرزید، آن فرد در امتحان پذیرفته شده بود و اجازه داشت به قلمرو مردگان وارد شود. برعکس اگر ترازو به سوی کفه بدی‌های فرد سنگینی می‌کرد و نا متعادل می‌شد او در امتحان مردود شده بود و عفریتی وی را تکه‌تکه می‌کرد و به خورد تمساح‌ها می‌دادند.



# آداب و رسوم

برای مومیایی کردن مردگان، ابتدا همه بافت‌های نرم را از داخل جسد بیرون می‌آوردند تا جداگانه مومیایی و در چهار کوزه مخصوص و در بسته به نام کانوپ نگهداری شوند. سپس جسد را تا ۵۰ روز درون پشته‌ای از جوش شیرین قرار می‌دادند. این ماده همه رطوبت جسد را جذب می‌کرد و بیرون می‌کشید.

بعد از این مرحله، جسد با پارچه‌های کتانی که گاهی مقدار آن به ۱۰۰ متر می‌رسید نوارپیچی می‌شد. برای آنکه هوا به این پوشش کتانی نفوذ نکند، آن را به مایع چسبناک و صمغ ماندی آغشته می‌کردند. در میان لایه‌های نوارپیچی، زیور آلات و طلسم‌های جادویی از طلا و سنگ‌های قیمتی قرار می‌دادند تا ارواح خبیث را دفع کند و همچنین مرده در دنیای آخرت با همان تجملاتی به سر برد که در زندگی خاکی این جهان از آن‌ها بهره‌مند بود. آخرین وظیفه کاهن برای مومیایی، که حالا به حالت ایستاده قرار داشت. اجرای آیین دهان‌گشایی بود و هنگامی که مویه کنندگان ناله‌های هولناکشان را سر می‌دادند، تابوت، کوزه‌های دربسته و وسایل مربوط به متوفی را به درون مقبره اش می‌بردند. کارگران نیز ورودی مدفن اصلی را مسدود می‌کردند و سپس ضیافت ویژه آیین خاک‌سپاری آغاز می‌شد. زندگان در آخرین مرحله می‌توانستند سه وسیله کمکی را نیز با متوفی همراه کنند: کتاب مردگان، سوسک قلب و تعداد زیادی اوشابتی. کتاب اموات شامل تعداد زیادی متون خوش‌ترکیب بود که اگر فرد مورد بازخواست در دادگاه مردگان آن‌ها را با خود داشت، گفته‌هایش بهتر اثر می‌کرد و سوسک قلب نیز می‌توانست به جای قلب مرده روی کفه ترازوی دادگاه مردگان قرار گیرد. این سوسک فهرستی از اعمال نیک مرده را با خود داشت، اما همه گناهان او را پنهان می‌کرد. اوشابتی یا شابتی‌ها مجسمه‌های چوبی یا سنگی کوچکی بودند که بعد از قبولی متوفی در امتحان آخرت، باید زندگی را برای او آسان می‌کردند. در جهان آخرت وقتی فرد درگذشته به همان کاری فراخوانده می‌شد که در این جهان خاکی انجام می‌داد، می‌توانست به جای خودش یک اوشابتی را به انجام آن کار بگمارد.



# زندگی بعد از مرگ

مصریان جهت حفظ کردن و ثبت رویدادها به صورت مکتوب خط هیروگلیف را اختراع کردند. فکر حفظ اسناد به صورت مکتوب از سرزمین همسایه، بین‌النهرین، به آن‌ها رسیده بود. اما مصری‌ها خط هجایی اهالی بین‌النهرین را نپذیرفتند بلکه، نشانه‌های نوشتاری خاصی برای خود اختراع کردند. بعدها مصریان خط کاهنی را اختراع کردند که با آن می‌توانستند مطالب خود را روی پاپيروس بنویسند. این خطی نوشتاری بود که نشانه‌های تصویری نداشت. به همین دلیل به سرعت گسترش یافت. نشانه‌های خط کاهنی با هم ادغام می‌شدند. برای نوشتن این خط از قلم نی، طومارهای پاپيروسی و همین‌طور از جوهر سرخ استفاده می‌شد، که کاتبان خود آن را می‌ساختند.



# اسرار اهرام مصر

کهن ترین بنایی که در پرده ای از ابهام پوشیده شده و هنوز باقی مانده است ، با کلیه پیشرفتهای علمی و تکنولوژی در دنیای امروز، باز هم اعصار مجهول تاریخ از نظرها به دور مانده است . هنوز حتی انسان نمی تواند به دقت قدیم و آثار قدیمی ، سنگهای ساختمانی را با همان ظرافت بسازد . هنوز استادان از روی هم چیدن سنگهایی به قطعات هفتاد تن مشابه آنچه که با دقت و وسواس عظیم در بنای هرم بزرگ به کاررفته است ، عاجزند . هنوز محاسبات ریاضی ما در اندازه گیری ابعاد زمین و حرکت سیاره ها از دقت و صحت محاسبات انجام شده در زمان بنای هرم بزرگ برخوردار نیست .

اینکه چرا هنوز در تهیه و تدارک وسایل اندازه گیری لنگان لنگان به دنبال انسانهای ماقبل تاریخ هستیم ، چگونه این تمدن درخشان ، هرمهای مصر ، در برهه ای از زمان درخشیده و سپس ناپدید شده است ، بر ما پوشیده می باشد . هنوز کاملاً مشخص نیست که آیا این قدرت علمی و هنری که انسان امروز تنها گوشه ای از آن را دریافته است ، از یک مغز فوق انسان و یا منبع فکری خارق العاده است . این امکان را هم مذهب و عرفان تایید می کند . امکان دیگر رسیدن این تمدن پیشرفته از خارج کره زمین به ساکنان زمین است و یا البته لزوماً نمی توان گفت که یکی از این نظریات درست است . با توجه به آنکه بشر امروز هنوز در تنگنای این تمدن سردرگم است و می اندیشد که این امر یک مسئله خارق العاده و خاص می باشد و لذا سبب آن نیز خاص است ، در هر حال منبع و منشا این ظرافت هنری و علمی در ساختمان هرم بزرگ و اهرام مصر هرچه باشد ، این حقیقت به جای خود باقی است که این ساختمان از چنان نبوغ و مهارت شگرفی برخوردار است که در طول تاریخ انسان ها نظیر آن مشاهده نشده است و هر جسم یا ساختمان هرمی شکل که دقیقاً با ابعاد متناسب با هرم بزرگ مصر ساخته شود و در امتداد شمال و جنوب میدان مغناطیسی زمین قرار گیرد ، می تواند به پیرایش ، انعکاس و تمرکز میدان های انرژی منتهی شود . از آزمایش های متعددی که در درون اجسام هرمی شکل با ابعاد چند سانتی متر یا چند متر انجام شده ، این نتیجه حاصل گردیده است که نوع جسم یا ماده ای که در ساختمان این اهرام به کار می رود ، به هیچ وجه در ماهیت میدان های انرژی که در درون آن ها متمرکز می شود ، تاثیر ندارد .

# اسرار اهرام مصر

“نتایج آزمایش های انجام شده ”

۱- غذاهای فاسد شدنی تا مدتها مدید بدون فساد در درون هرم باقی می ماند

۲- آب های آلوده ، تصفیه و عاری از میکروب می شوند

۳- نباتات با سرعت بیشتری رشد می یابند

۴- فلزات زنگ زده ، جلا و صیقل اصلی خود را باز می باند

۵- انسان ها به استراحت بهتری دست یافته و نیز به قدرت اندیشه آدمی افزوده می شود

۶- آرامش و درمان امراض روانی با سهولت بهتری انجام می شود

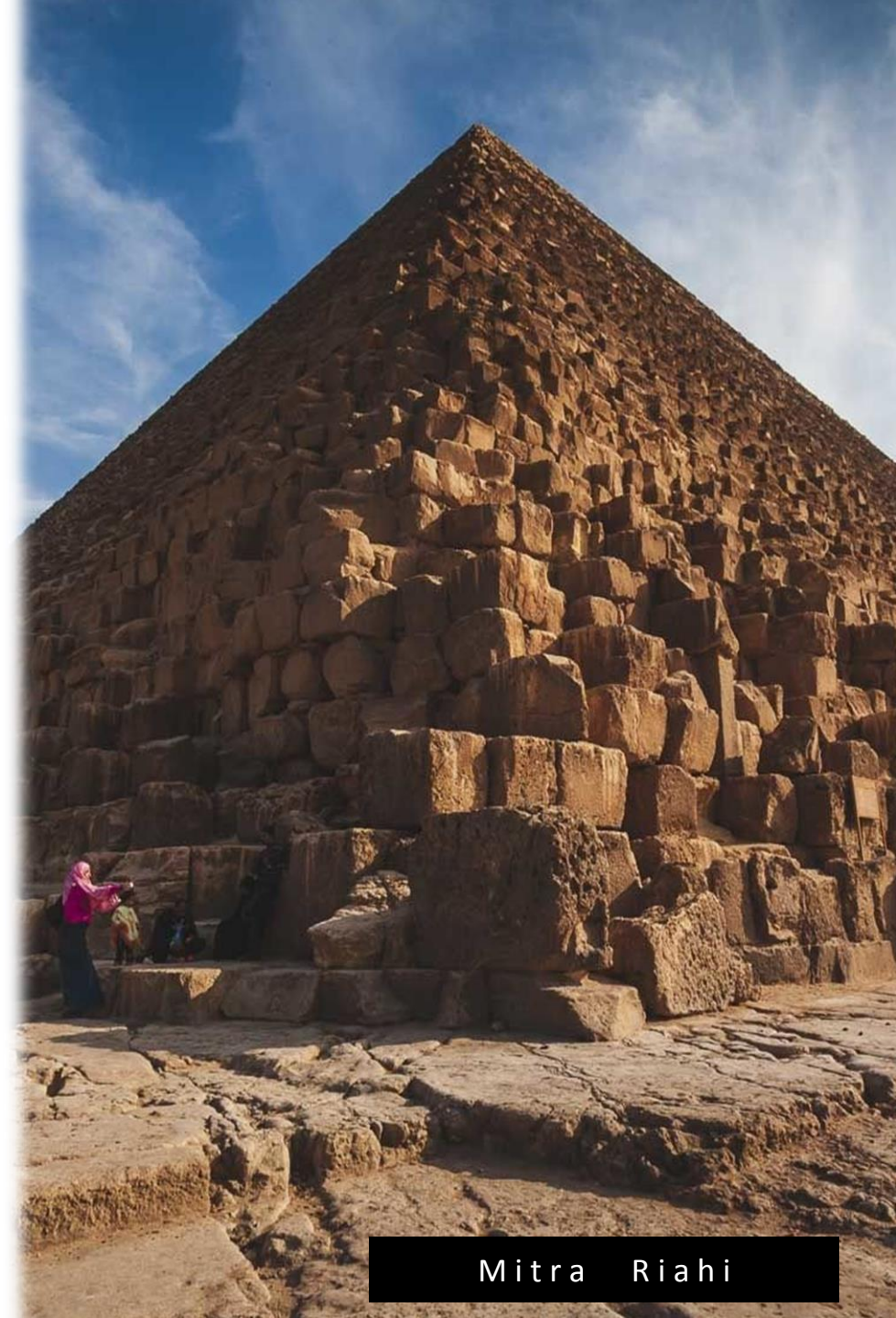


# اسرار اهرام مصر

مسئله ای که برای اولین بار منتهی به کشف این خواص در اجسام هرمی شکل گردیده ، ملاحظه این حقیقت بود که حیوانات مرده در اندرون آرامگاه اصلی فرعون در هرم بزرگ هرچند آب خود را از دست داده ولی فاسد نشده اند در نتیجه این مشاهده بود که بشر متوجه گردید که شاید شکل خاص هرم در این پدیده دخالت داشته باشد . برای تحقیق این موضوع هرمی به ارتفاع ۷۵ سانتیمتر ساختند و جسد یک گربه را مستقیماً در زیر راس هرم و به فاصله یک سوم ارتفاع هرم از پایه آن قرار دادند و مشاهده کردند که گربه چندی بعد بدون هرگونه تجزیه و فساد به مومیای تبدیل شده است . در آخر نتایج این آزمایش منشر شد ، اعلام گردید که بین شکل اهرام و اثرات فیزیکی و شیمیایی و بیولوژی فضای داخل آن نسبت های معینی وجود دارد و با رعایت این نسبت ها می توان اثرات ناشیه را تشدید نمود . بر خلاف تصور عمومی که به مدت ۵۰۰ سال هرم گیزا را تنها آرامگاهی بزرگ برای خئوپس تصور می کرد و دستور ساخت آن را تنها علت عقده های خود بزرگ بینی می دانست ، اکنون دانشمندان دریافته اند که این بنای شگفت انگیز ، گنجینه ای از علوم مهندسی ، ریاضی ، ژئودزی ، اختر شناسی ، معماری و دیگر دانش های شناخته شده روزگار خود ما بوده است . گویا این ساختمان هرمی شکل همچون کتابی سنگی بازگو کننده دانش و تکنولوژی آن روزگاران است .

# اسرار اهرام مصر

مورخین ، جهانگردان و دانشمندان علی‌رغم وجود اهرام بی شماری که در سرتاسر زمین (چین ، ژاپن ، مصر ، .. ) هست. به عنوان مثال در مصر حدود ۳۰ هرم نسبتاً مهم وجود دارد که از نظر محققان ۶ هرم که قبل از هرم بزرگ ساخته شده است ، از نظر عظمت ، کمال هندسی و محاسبات ریاضی در سطح پایین تر قرار دارند و در ۲۳ هرم دیگر که پس از آن ساخته شده اند ، از دقت و ظرافت کار به نحو محسوسی کاسته شده است . هرم بزرگ در ۱۶ کیلومتری غرب قاهره در زمین مسطحی به وسعت ۶/۲ کیلومتر مربع از دشت جیزه مشرف به نخلستانهای دره نیل بنا گردیده و سطح زیر بنای آن که اندکی بیش از ۱۳ جریب را می پوشاند با دقتی معادل چند میلیمتر اختلاف تسطیح شده است. دانشمندان پر آوازه جهان در پی مطالعه و محاسبات گسترده خود به این نتیجه شگفت انگیز دست یافته اند که ابعاد هرم گیزا در رابطه تنگاتنگ با ابعاد کره زمین است . یعنی نه تنها طول پیرامون قاعده هرم برابر طول نیم دقیقه قوس نصف النهاری است که از راس هرم گذشته و دلتای رود نیل را در بر میگیرد ، بلکه دانش نوین پیرامیدوگرافی ثابت کرده است که بسیاری از ابعاد بنیادین بخش های گوناگون هرم گویای شمار روزها ، سالها و سده های شمسی اند. ولی متأسفانه نحوه محاسبه این اعداد در حدود ۶۸۰۰ سال قبل هنوز مشخص نشده است ، همچنین مدارکی که سطح جنوبی هرم یافت شده است که ثابت می کند مصریان از این سطح به وسیله پدیده ای که فلاش نام گرفته ، روزهای تعدیل بهاری و پاییزی را تعیین می کرده اند . افزون بر این نور انقلاب زمستانی نیز توسط گوی زرینی که دو راس هرم قرار داشته اعلام می نمودند .



# فصل چهارم

---

آرایش و گریم مصری



# ویژگی های ظاهری

مردم مصر بیشتر نژاد عرب دارند و ظاهری بسیار شبیه مردمان سایر کشورهای عربی دارند. بینی در این نژاد به صورت نوک منقاریست بطوری که استخوان بینی که بین دو چشم قرار دارد کوچک است و خود بینی به صورت یک انحناست همچنین بینی از روبرو پهن است. پهنای بینی و سوراخ های کشیده شده به دو طرف بینی کاملاً از بینی ما ایرانیها متمایز است. این نوع بینی در اکثر ایرانیان دیده نمیشود .

همچنین شیب بینی از ابرو تا نوک آن نرم و ملایم است و بینی به سمت جلو کشیده میشود. جمجمه آنان بیشتر از نوع دلیکو سفالیک(دراز سران) است.



# چگونه آرایش زنان مصر باستان مفهوم زیبایی در دنیای امروز را تغییر داد؟

اسرار مصریان باستان بسیار وسیع است اما در ترفندهای زیبایی آنها راز و رمزی نیست. آرایش ممکن است یک پدیده مدرن دنیای امروز به نظر برسد و به پدیده‌ای با صنعت چند میلیون دلاری مبدل شده باشد اما در زندگی روزمره دوران باستان نیز بسیار مهم بوده است.

از همان دوران آغازین امپراتوری مصریان، مردان و زنان از تمامی قشرهای و طبقات اجتماعی آرایش خط چشم، سایه چشم، رژ لب و رژ گونه داشتند.

این اغواگری مرسوم در تمدین مصریان با دو تن از مشهورترین ملکه‌های مصر بیشتر خودنمایی می‌کرد: کلئوپاترا و نفریتی.

در سال ۱۹۶۳، الیزابت تیلور آرایش خود را به مصریان باستان شبیه کرد و در یک داستان حماسی در نقش کلئوپاترا بازی کرد. در سال ۲۰۱۷ نیز تصویر ریحانا با آرایش شبیه به نفریتی روی مجله وگ عربی منتشر شد. این دو اسطوره زیبایی هر دو سایه چشم آبی رنگ و خط چشم پهن و تیره داشتند.

# زیبایی همراه با کاربردهای خاص!



با این حال، مصریان باستان فقط برای زیباتر کردن جلوه ظاهری خود آرایش نمی‌کردند. آرایش برای آنها مصارف کاربردی و معانی نمادینی داشت. علاوه بر این، آنها این مراسم و نوع آرایش را بسیار جدی می‌گرفتند؛ واژه هیروگلیف برای آرایشگران از ریشه **ses** سرچشمه می‌گرفت که به معنی نوشتن یا حک کردن است و نشان می‌داد که مهارت زیادی برای به کار بردن سرمه لازم است. ناب‌ترین و لوکس‌ترین آیین‌های زیبایی در آرایش زنان ثروتمند مصری دیده می‌شد. یک وعده آرایش معمولی برای چنین زنانی که در زمان پادشاهی میانه زندگی می‌کردند (یعنی در حدود سال‌های ۱۶۵۰-۱۶۰۰ قبل از میلاد مسیح) واقعاً یک آرایش افراطی بود. یک زن اشرافی دوران مصر باستان، قبل از استفاده از هرگونه آرایش، ابتدا باید پوست خود را آماده می‌کرد.

بانوان متمول مصری ممکن بود با نمک‌های دریای مرده، پوست خود را لایه‌برداری کنند یا در یک حمام شیر مجلل بخوابند. ماسک‌های صورت شیر و عسل از آرایش‌های رایج زنان ثروتمند مصر باستان بودند. زن مصری می‌توانست زیر بغل خود را با عودهای معطر بخور دهد و اسانس گل یا عطرهای تند برای نرم کردن پوست خود اعمال کند. مصریان همچنین روش طبیعی اپیلاسیون را با مخلوطی از عسل و شکر ابداع کردند. شکر زدن در واقع جایگزین همان وکس یا موم داغ امروزی است که شرکت‌های تولیدکننده لوازم آرایشی و بهداشتی تولید می‌کنند منتها در دوران باستان درد کمتری داشت.





## برده‌داری در خدمت آرایش اشرافی زنان متول مصر

پس از همه اینها، یک خدمتکار یا برده لازم بود که مواد و ابزارهای لازم برای ایجاد و اعمال آرایش را حاضر کند. این وسایل و ابزارها به تنهایی لوازم هنری و اسرافکارانه‌ای بودند که نشان از وضعیت اجتماعی خوب زنان مصر باستان داشتند. کوزه‌هایی برای نگهداری از مواد آرایشی طبیعی و عطرها و همین‌طور ظروفی که برای نقاشی چشم و نگهداری انواع اسانس و روغن بودند همه از مواد گران‌قیمتی مانند شیشه، طلا یا سنگ‌های نیمه‌قیمتی ساخته شده بودند. پالت‌های سیلتستون که برای خرد کردن مواد برای سرمه و سایه چشم استفاده می‌شدند با نقوشی از حیوانات، الهه‌ها یا زنان جوان حکاکی شده بودند.

این نمادها نمایانگر تولد دوباره و باروری بودند و تصور می‌شد که عمل آسیاب کردن رنگدانه‌ها بر روی پالت حیوانات نماد غلبه بر قدرت موجودات بود و به زنان مصری باستان توانایی‌های ویژه آنها را اعطا می‌کرد. (اعضای طبقات پایین‌تر جامعه هنگام آرایش کردن خود از ابزارهای متوسط‌تر و معمولی‌تری استفاده می‌کردند).



## میکاپ مصری سخت ترین مدل آرایش صورت

میکاپ مصری یکی از مدل های فانتزی در دنیای آرایش صورت است که با استفاده از رنگ هایی مانند مسی آتشین و طلایی براق می توان جلوه ای خاص به چهره داد و با ایجاد تغییرات اندکی آن را تبدیل به میکاپی شیک جهت حضور در مراسم نمود. این آرایش به چهره حالتی تیز و پر زاویه داده و بیشترین تمرکز در ناحیه چشم ها قرار گرفته است.

میکاپ مصری یکی از سنگین ترین و غلیظ ترین مدل های آرایش صورت است که بهتر است برای تعدیل کردن آن از سایه چشم هایی با رنگ های پایه مانند انواع برنزی یا شکلاتی که درخشش ملایمی داشته باشد استفاده نمود. همچنین از فون های تیره با تناژ ملایم استفاده کرد تا چهره حالتی برافروخته و قرمز نداشته باشد. برای آرایش چشم ها نیز جهت طبیعی تر شدن چهره از خطوط ظریف و باریک استفاده کنید تا نتیجه کار زیباتر و ملایم تر از آب درآید. همچنین از رژگونه براق به شکلی ملایم و طبیعی استفاده کرده و از ایجاد خطوط بیش از حد تیز و زوایای واضح در زیرسازی آرایش پرهیزید.



## زیرسازی در میکاپ مصری

یکی از نکات مهم در میکاپ مصری ایجاد تناسب و یکدستی در پوست صورت و گردن است. توجه داشته باشید که هرگونه اختلاف رنگ در پوست این دو ناحیه باعث اثری نامطلوب در ظاهر زیبای آن خواهد شد. زیرسازی آرایش صورت در میکاپ مصری باید توسط فون هایی با زمینه تیره و تناژ برنزی انجام شود. پس از استفاده از کرم مرطوب کننده جهت آبرسانی و تامین چربی لازم برای زیرسازی، از یک لیکوئید با تناژ تیره متوسط استفاده نمایید. بهتر است که لیکوئید از جنس ضد حساسیت بوده تا از ایجاد حالت چرب در پوست صورت پرهیز شود. پس از پخش کردن لیکوئید روی پوست نواحی صورت و گردن و ضربات آرام و ملایم نوک انگشتان برای فیدشدن لیکوئید روی پوست، از پن استیک برنزی با تناژ مناسب استفاده نمایید. جهت حصول نتیجه بهتر از اسفنج لاتکس نمدار استفاده کنید. تمامی نواحی صورت را با پن استیک کاور کرده و سپس برای تثبیت کرم پودر فشرده از پودر فیکس هم رنگ با آن استفاده نمایید. ده دقیقه زمان دهید و بعد با برس نرم و لطیف بقایای پودر فیکس را از صورت پاک کنید.

# آرایش چشم های مصری

مهمترین بخش در میکاپ مصری، آرایش چشم می باشد. در این مدل از آرایش به وسیله خط چشم های موازی و بی حالت در بالا و پایین چشم ها باید نگاه شخص را متمرکز و نافذ نمایید. با استفاده از قلم شماره صفر میکاپ و سایه آبرنگی مشکی از روی خط شماره یک پلک در گوشه داخلی چشم شروع کرده و خط باریکی را تا انتهای چشم کشیده و سپس در گوشه خارجی چشم بدون ایجاد انحنای معروف در خط چشم آن را به طول یک سانت امتداد دهید. برای کشیدن خط چشم پایینی نیز به همین شیوه عمل کرده و چند میلیمتر کوتاهتر از خط چشم بالایی امتداد دهید. در مرحله بعد با استفاده از سایه دودی و مات در گوشه خارجی چشم و از روی خط چشم به سمت بالا فید کرده و گردی مناسبی را در گوشه چشم ایجاد نمایید. فید کردن سایه دودی باید تا انتهای خط چشم بالایی ادامه داشته و فرم کشیده به آن بدهید. سپس با استفاده از سایه مسی تیره و براق در ناحیه مرز فید شده سایه دودی شروع به سایه زدن تا چند میلیمتر نمایید. به همین ترتیب با استفاده از تنالیته های براق و هم خانواده رنگ مسی، برنزی، شکلاتی تیره و روشن یک حالت یکپارچه و بدون مرز از انواع رنگ های هم خانواده در این ناحیه نمایید. در گوشه داخلی چشم از سایه طلایی براق استفاده کرده و در انتها یکبار دیگر خط چشم را پر رنگ نمایید. برای پر کردن ناحیه خالی بین خط چشم بالایی و پایینی در گوشه های داخلی و خارجی چشم نیز از رنگ طلایی براق استفاده نمایید. سپس با استفاده از مژه مصنوعی تکی یا سه شاخه در لا به لای مژه های طبیعی به ایجاد فرم مناسب در پلک ها پردازید.

# آرایش گونه ها و فک و انتخاب رژ مناسب

ایجاد زاویه تیز در گونه ها و فک از ارکان اصلی چنین آرایشی است. در میکاپ مصری باید به وسیله فون دو درجه تیره تر از رنگ زمینه به گونه سازی پرداخت و ناحیه فک را زاویه دار کرد. سپس به وسیله فون دو درجه روشن تر از رنگ زمینه در نواحی برجسته به پر حجم نشان دادن این نواحی پرداخت. البته برای انجام این مرحله باید در زمان زیرسازی آرایش چنین کاری را انجام داد و بعد به وسیله پودر فیکس آن را تثبیت نمود. سپس از رژگونه براق به رنگ برنزی تیره یا مسی آتشین ناحیه گونه ها را آرایش کرد و از رنگ طلایی براق در ناحیه برجسته گونه ها به شکلی ملایم استفاده نمود.

رژلب مناسب برای میکاپ مصری رنگ مسی روشن یا تیره است. برای آرایش لب ها می توان از قلم شماره ۶ یا ۸ میکاپ استفاده نمود. جهت ملایم نمودن این آرایش سنگین تنها به استفاده از برق لب بی رنگ اکتفا کنید.

# آرایش موها در میکاپ مصری



بهترین آرایش موها در میکاپ مصری، چتری صاف با براشینگ صاف به سمت داخل صورت است. برای آرایش بقیه موها نیز می توان به براشینگ صاف اکتفا کرده و از ایجاد هرگونه مدل فانتزی در موها پرهیز کنید. در انتها می توان از تل ها و یا هد بندهای طلایی یا نقره ای برای آرایش موها استفاده کرد.

# با تشکر

---